کسب آگاهی زنان، در میزان افزایش طلاق‌ها نقش دارد

آمار طلاق در این سال‌ها افزایش چشمگیری داشته است. با وجود تأثیر دولت‌ها بر استحکام نهاد خانواده، اخبار و آمارها نشان از گسترش جدایی در زوجین دارد. یکی از دلایل این جدایی‌ها آگاهی زنان نسبت به حق و حقوق‌شان در معامله‌ای به اسم ازدواج است، همچنین افزایش استقلال شغلی آنها در این مقوله بی‌تأثیر نبوده است. زهرا مینویی، وکیل پایه یک دادگستری، به این نکته تأکید دارد که: زنان هم مطلع‌تر شده‌اند و از حقوق خودشان آگاه یافته‌اند، از طرفی می‌بینند می‌توانند شغل و درآمد داشته باشند؛ بنابراین حاضر نیستند به هر زندگی‌ای تن بدهند.

همچنین وجود سیاست‌هایی در راستای حفظ نهاد خانواده پروسه طلاق را برای زوجین سخت‌تر کرده و حتی چندی پیش رئیس‌جمهور بر سخت‌ترکردن این روند تأکید داشت؛ بنابراین فشارهای بسیاری در کشاکش این روند به هر دو نفر وارد می‌شود و حتی امکان دارد فرصت‌های دیگر خود برای زندگی جدید را هم از دست بدهند. مینویی درمورد این موضوع بر این باور است که: بنابراین در راهروهای دادگاه هر دو تحت فشار و مورد بی‌احترامی به هم قرار می‌گیرند که ناچار می‌شوند برای موارد تبعیض‌آمیز که در قوانین وجود دارد، به هم بی‌احترامی کنند، همه اینها باعث می‌شود اگر یک روزنه کوچک برای ادامه زندگی وجود داشته باشد، از دست برود. همین الان که شروط ضمن عقد ترویج پیدا کرده است، زن‌ها درخواست می‌کنند و به دنبال دفترخانه‌هایی که حاضر به ثبت آن باشند، می‌گردند، نشان از مخالفت با این قوانین تبعیض‌آمیز است و نسبت به این شرایط معترض هستند و به دنبال حقوق برابر می‌روند. تغییر قانون اگر به سمتی پیش برود که حقوق زن و مرد برابر باشد، حتما آمار طلاق پایین می‌آید.

طولانی‌ترشدن پروسه طلاق روزنه کوچک را هم می‌بندد

زهرا مینویی، وکیل پایه یک دادگستری، ضمن اشاره به افزایش طلاق بین زوجین، اضافه می‌کند: طبق تجربه در پرونده‌هایی که داشتم، علت بسیاری از این جدایی‌ها اعتیاد، بی‌کاری و اختلالات در ناتوانی جنسی آقایان است که راضی نمی‌شوند تا این مشکل را درمان کنند، زنان هم مطلع‌تر شده‌اند و به حقوق خودشان واقف شده‌اند. از طرفی می‌بینند می‌توانند شغل و درآمد داشته باشند؛ بنابراین حاضر نیستند به هر زندگی‌ای تن بدهند. الان آگاهی در بین زنان به این شکل است که می‌دانند نیازی نیست این وضعیت را تحمل کنند، می‌تواند کار کنند تا زندگی جدا و مستقلی داشته باشند؛ بنابراین چیزی به اسم آگاهی با آن مفهوم قدیم را الان نداریم.

این وکیل دادگستری ادامه می‌دهد: زنان به حقوق‌شان آگاه‌تر شده‌اند و اتفاقی که الان جریان دارد، پیشرفت بیشتر زنان در کار است که موفق بوده‌اند و در حوزه‌های اجتماعی خودشان را نشان داده‌اند و فعالیت می‌کنند، همه اینها باعث می‌شود زنان درباره اعتیاد یا مثلا روابط نامشروع همسر بی‌اطلاع نمانند.

مینویی درمورد تأثیر منفی طولانی‌شدن پروسه طلاق و رفت‌وآمد در راهروهای دادگاه اضافه می‌کند: این موضوع بسیار مهم است، طولانی‌ترشدن پروسه طلاق باعث می‌شود تا اگر یک شانس به ترمیم زندگی باقی مانده باشد، در آستانه فروپاشی قرار بگیرد و پروسه طلاق این شانس را از بین ببرد. در این طولانی‌شدن روند طلاق هم زن سختی زیادی متحمل می‌شود و هم مرد، بنابراین در راهروهای دادگاه هر دو تحت فشار و مورد بی‌احترامی به هم قرار می‌گیرند که ناچار می‌شوند برای موارد تبعیض‌آمیز که در قوانین وجود دارد، به هم بی‌احترامی کنند، همه اینها باعث می‌شود اگر یک روزنه کوچک برای ادامه زندگی وجود داشته باشد، از دست برود. توجه کنید زنی که حق طلاق ندارد، برای جداشدن، موضوع مهریه و نفقه را مطرح می‌کند که همین چالش‌های بسیاری را به وجود می‌آورد، این مسائل باعث می‌شود تا زن و مرد بیشتر به صورت هم خراش بیندازند، خیلی وقت‌ها زوجین، مخصوصا خانم‌ها برای ادب‌کردن همسر خود اقدام به طلاق می‌کنند که با وجود قوانین تبعیض‌آمیز، چالش و درگیری آنها بیشتر خواهد شد. این وکیل دادگستری ادامه می‌دهد: توجه کنید همین الان که شروط ضمن عقد ترویج پیدا کرده است، زن‌ها درخواست می‌کنند و به دنبال دفترخانه‌هایی می‌گردند که حاضر به ثبت آن باشند که نشان از مخالفت با این قوانین تبعیض‌آمیز است. زن‌ها نسبت به این شرایط معترض هستند و به دنبال حقوق برابر می‌روند. تغییر قانون اگر به سمتی پیش برود که حقوق زن و مرد برابر باشد، حتما آمار طلاق پایین می‌آید. اینکه زنان نسبت به قبل مطلع‌تر شده‌اند، در سایه استقلال اقتصادی و رشد و ترویج این آگاهی، طی این سال‌ها اتفاق افتاده و تنها شاغل‌بودن زنان نیست که تأثیر دارد؛ بلکه فقر، بی‌کاری و خشونت خانگی آن‌قدر فشار آورده که راه گریز را برمی‌گزینند.

بررسی علل افزایش طلاق در سال‌های اخیر

افزایش آمار طلاق نشانه خوبی است؟

نسترن فرخه: زوج‌های بسیاری با هزار رؤیای رنگارنگ ازدواج می‌کنند و نهاد کوچکی به نام خانواده را برای خود ایجاد می‌کنند؛ جوان‌هایی که با هزاران مشکل اجتماعی زیر یک سقف می‌روند تا شروعی دوباره داشته باشند؛ اما تعداد بسیاری از آنها بعد از مدتی تصمیم به جدایی می‌گیرند، حتی وجود برخی سیاست‌ها برای سرپا نگه‌داشتن نهاد خانواده، استحکام‌بخشی به آن و فرزندآوری در این اجتماع کوچک، خیلی سازگار نبوده و وجود بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مانع جدی حفاظت از این نهاد خواهد بود. کافی است با جست‌وجوی کوتاهی در لابه‌لای اخبار متوجه افزایش آمار طلاق بین زوجین شویم؛ آماری که طی این سال‌ها افزایش چشمگیری داشته و در مواردی به گروه سنی دهه ۸۰ هم رسیده. همچنین در روزهای گذشته روزنامه شهروند اعلام کرده بود که آمارها نشان می‌دهد که از هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است. مجموع ازدواج کشور در تابستان ۱۴۰۰، ۱۳۴هزارو ۲۰۸ مورد بوده است.

محاسبات نشان می‌دهد که ازدواج در ایران در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است. اما یکی دیگر از دلایل افزایش جدایی زوج‌ها، بیشترشدن آگاهی زوجین به‌خصوص زنان نسبت به حقوق‌شان است. زنان بسیاری حالا قبل از ازدواج توجه جدی به شروط ضمن عقد و قوانین مربوطه دارند و افزایش همین میزان استقلال اجتماعی و اقتصادی که در جامعه دارند، توانایی آنها برای دفاع از حقوق طبیعی‌شان را هم تحت تأثیر قرار داده، زنانی که بدون توجه به حقوق‌شان تنها امضاکننده موارد عقدنامه بودند و سال‌ها زیر یوغ قوانین مردسالارانه زندگی کردند، امروز متوجه حقوق انسانی خود شدند و دراین‌باره عالیه شکربیگی، جامعه‌شناس و دبیر سابق کارگروه خانواده سالم معاونت ریاست‌جمهوری، بر این باور است که همین طلاق‌گرفتن زنان خود نوعی کنشگری است و پدیده‌ای به نام طلاق امروزه در بین زنان دیگر یک شکست نیست؛ بلکه یک تجربه است؛ تجربه‌ای که وقتی زنی متوجه می‌شود نمی‌تواند در این زندگی که وارد شده، ادامه دهد، در جهت استقلال خود تلاش می‌کند تا از مدار زور و قدرت رها شود. البته با وجود تلاش بسیار زنان برای احقاق حقوق‌شان و طبق بخشی از گفته‌های این جامعه‌شناس همه اینها در سایه‌سار یک ساختار حرکت می‌کند که این روابط خاص متأسفانه اجازه نمی‌دهد که قوانین در حمایت از حقوق انسانی زنان در جامعه حرکت کند.

حلقه گم‌شده؛ حقوق زنان در قوانین ازدواج

عالیه شکربیگی، جامعه‌شناس و دبیر سابق کارگروه خانواده سالم معاونت ریاست‌جمهوری، درباره افزایش آمار طلاق بین زوجین می‌گوید: در این سال‌ها اگر به آمارهای طلاق دقت کرده باشیم، متوجه می‌شویم آرام‌آرام مسئله طلاق سیر صعودی در جامعه پیدا کرده است و طبعا هر پدیده اجتماعی فقط یک دلیل ندارد، حتما دلایل زیادی برای یک مسئله وجود دارد، وقتی در بستر تاریخی خانواده را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم قرن‌هاست که زنان هر مسئله داخل خانه را تحمل کرده‌اند؛ اما اتفاقی که در این قرن اخیر افتاده این است که ما با پدیده تکنولوژی جدید روبه‌رو هستیم، در جامعه‌ای که همچنان منش فرادستی و فرودستی در مفهومی به نام پدرسالاری وجود دارد، فضای مجازی خانواده‌ها را درمی‌یابد و زنان در فضای مجازی حضور پیدا می‌کنند و به هر حال خود این حضور در فضاز مجازی یک نوع آگاهی به زنان و دختران ما می‌دهد، حق و حقوقی که زنان دارند؛ ولی می‌بینیم که قرن‌ها نادیده گرفته شده؛ بنابراین فکر می‌کنم در بستر بسته جامعه با حضور دو عامل یکی تکنولوژی و فناوری‌های نوین و دوم آگاه‌شدن پدران و برادران و همسران، زنان توانستند از مسیری به نام آموزش عبور کنند و وارد عرصه عمومی شوند، مثل ورود به دانشگاه، کسب علم و اقتصاد، یکی از این آگاهی‌ها که آموختند آگاهی به حقوق‌شان در خانواده، در تعامل با همسر، پدر و سایر اعضا بوده، در عرصه کار هم در بحث اشتغال زنان همچنان مشکلاتی داریم که همه اینها منجر به این می‌شود که آگاهی منجر به کنشگری می‌شود. این جامعه‌شناس اضافه می‌کند: همین طلاق‌گرفتن زنان خود نوعی کنشگری است، زنانی که به نوعی تحت خشونت در خانواده بودند، همین اتفاق منجر به یک پدیده اجتماعی به نام طلاق و سیر صعودی آن شد، به هر صورت پدیده امری به نام طلاق امروزه در بین زنان دیگر یک شکست نیست؛ بلکه یک تجربه است؛ تجربه‌ای که وقتی زنی متوجه می‌شود نمی‌تواند در این زندگی که وارد شده، ادامه دهد، در جهت استقلال خود تلاش می‌کند تا از مدار زور و قدرت رها شود. البته اینها با وجود تمام پیامدهای استرس‌زا و مخاطره‌آمیزی است که برای این زنان در جامعه به جا می‌گذارد. شکربیگی اضافه می‌کند: الان با حضور مدرنیته و ارزش‌های مدرن در نهاد خانواده، طبع کنشگری‌هایی که افراد ممکن است داشته باشند، براساس تفسیر مسائلی است که در تعامل با محیط رخ می‌دهد و باعث کنشی می‌شود که به نوعی انتخاب نهایی آنها از بازاندیشی انسانی به نام زن در جامعه است. دیگر خانواده یک مفهوم کلی با اندیشه‌ها و هنجارهایی که همه تابع هم باشند نیست؛ بلکه الان خانواده‌های مختلفی را در ایران شاهد هستیم، خانواده سنتی که ارزش و هنجارهای سنتی در تعامل و روابط خود دارد، خانواده‌های سنتی ولی دارای ارزش‌های مدرن، خانواده‌هایی که در حال گذار و دارای اندیشه‌های مدرن هستند و مثلا زن و مردی که در فضای خانه و خانواده در تلاش‌اند تا به حقوق هم احترام بگذارند و حقوق شهروندی خانواده خود را جذب کنند، همین‌طور خانواده‌های پست‌مدرن یا ایرانی اسلامی. همین‌طور که ملاحظه می‌کنید گونه‌های مختلفی وجود دارد که در کنار همه اینها خانواده‌ای داریم که سیال است؛ یعنی امروز یک ارزش دارد و فردا ارزش دیگری جایگزین آن می‌کند؛ یعنی هنجارها مرتب در حال تغییر هستند. همین‌طور گونه‌های دیگر شبیه خانواده یا خانواده‌هایی که دختر و پسر با هم ازدواج می‌کنند؛ اما خانواده‌های هسته‌ای و پیوسته هستند؛ یعنی درعین‌حال که ازدواج کرده‌اند به مادر و پدرهای خود وصل هستند، همچنین خانواده‌هایی هستند که با یکدیگر قرارداد می‌بندند تا یک‌سری کنار یکدیگر باشند؛ ولی هرکس در خانه خودش باشد، حال گونه‌های مختلف زندگی پیامدهای خاص خود را دارد؛ بنابراین زنانی که انتخاب نهایی آنها در زندگی مشترک طلاق است، بعد از آن ممکن است خانواده‌ای دیگر تشکیل دهند، به خانه پدر و مادر برگردند یا گونه دیگری از زندگی را برای خودشان انتخاب کنند.

این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه در جامعه ما قانون چند قدم عقب‌تر از آگاهی عمومی قرار دارد، می‌گوید: درحال‌حاضر شرایطی را در جامعه ایران مشاهده می‌کنیم که در رابطه با مباحث مطرح‌شده جامعه جلوتر از ساختارهای دولتی حرکت می‌کند؛ یعنی در واقع یک نوع این ساختارها از مردم جامعه جا مانده‌اند و مردم به دلیل حضور در همان بستر کسب اطلاعات و آگاهی کردند و الان خواسته‌هایی دارند. توجه کنید یک زن که بخواهد طلاق بگیرد باید هفت خان رستم را رد کند تا امر طلاق اتفاق بیفتد، بعد از آن هم پیامدهایی به همراه خود دارد، از قضیه مهریه تا تکلیف نگهداری فرزند و تعامل زن و مرد به خاطر فرزند بعد از جدایی که در قانون برای همه اینها کاستی‌هایی وجود دارد. با توجه به این قانون حتی می‌بینیم قتل ناموسی اتفاق افتاده یا پدری فرزند خود را به قتل می‌رساند؛ اما طبق ملاطفت قانون نسبت به جنس آنها رهایی از مجازات اتفاق می‌افتد که همین می‌تواند به خیلی از این شکل قتل‌های مشابه دامن بزند. من فکر می‌کنم با توجه به تمام این مسائل قانون‌گذار باید به زن و مرد نگاه انسانی داشته باشد و نه یک نگاه ابزاری، که زن ابزاری در اختیار مرد باشد، مثل یخچال و تلویزیون که در خانه است زن هم جزئی از مال و املاک مرد باشد، الان دیگر وقت این تفکرات گذشته؛ اما برخی ساختارها که در این جامعه هستند، متأسفانه اجازه نمی‌دهند که زنان بتوانند از حقوق انسانی و عدالت‌گرایانه برخوردار باشند که همین یک بحث کاملا جدی است که در جامعه ما آگاهی جلوتر از ساختار است و قانون اندر خم یک کوچه است؛ درحالی‌که این قوانین دیگر نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز مردمان این جامعه باشد و نیاز است تا بازنگری جدی در قوانین صورت بگیرد و از طرفی وکلا، متخصصان حقوقی، نمایندگان مجلس و کسانی که در این حوزه فعالیت دارند به این مسئله توجه جدی داشته باشند؛ اما همه اینها در سایه‌سار یک ساختار لجوج به نام حلقه‌های قدرت حرکت می‌کند که این روابط سلطه‌گرایانه متأسفانه اجازه نمی‌دهد که قوانین در حمایت از حقوق انسانی زنان در جامعه حرکت کند.

چیزهایی که باید بدانیم

چند نکته درباره شروط ضمن عقد نکاح

از سال ۱۳۶۰ به بعد در سند ازدواج، شروطی به‌عنوان «شرط ضمن‌العقد» پیش‌بینی شد که سردفتر مکلف است قبل از اجرای صیغه عقد آنها را برای زوجین قرائت و در صورت ضرورت مفهومشان را برای آنها بیان کند تا طرفین با آگاهی کامل ذیل شروط مورد قبول خود را امضا کنند. زوجین می‌توانند طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ایران علاوه بر شروط چاپ‌شده در قباله نکاحیه هر شرطی را که مایل‌اند به عقدنامه اضافه کرده و با امضای خود آن را الزام‌آور کنند. در قانون مدنی، شوهر در برابر زن حقوق و اختیاراتی دارد که زن فاقد آن است، از جمله طلاق‌دادن زن، ازدواج مجدد، تعیین محل سکونت و زندگی خانوادگی و ... اگرچه این حقوق همراه با تکالیفی است که شوهر در برابر زن و خانواده خود دارد اما ممکن است برخی مردان از این حقوق قانونی سوءاستفاده کنند؛ بنابراین طبق مجوز قانون مدنی زنان نیز می‌توانند با استفاده از شروط ضمن‌العقد تاحدودی محرومیت‌های قانونی خود را جبران کنند که این راه‌حل در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی بیان شده است:

«طرفین عقد می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر مطرح کنند، مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود، یا ترک انفاق کند یا علیه حیات زن سوءقصد کند یا سوءرفتاری کند که زندگی آنها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه نهایی خود را مطلقه سازد». آنچه در ماده ذکر شده، جنبه تمثیلی دارد و زوجین می‌توانند «هر شرط» دیگری نیز برای حق طلاق زن تعیین کنند؛ از جمله اعتیاد یا محکوم‌شدن به حبس بیش از مدت معین. توضیح این نکته ضروری است که شرط مخالف مقتضای عقد شرطی است که با فلسفه عقد در تضاد است که البته در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی از فقها عقیده دارند فلسفه عقد ازدواج، تشکیل خانواده و تمتع جنسی زوجین از یکدیگر است، درحالی‌که اجماع فقها بر این است که زن می‌تواند شرط عدم رابطه جنسی بگذارد و منع شرعی ندارد. شرط موافق مقتضای عقد شرطی است که با مقتضای عقد مخالف نبوده و در صورت توافق طرفین می‌توان آن را جایگزین قانون کرد. آشنایی با این راه‌حل به زنان اجازه می‌دهد تا زمانی که قوانین اصلاح شود، از این شروط برای جبران کمبودهای حقوقی خود استفاده کنند و در صورت بروز اختلاف تا حدودی از حقوق خود دفاع کنند. از سال ۱۳۶۰ به بعد در سند ازدواج که از طرف اداره ثبت اسناد چاپ می‌شود، شروطی به‌عنوان «شرط ضمن‌العقد» پیش‌بینی شده و سردفتر مکلف است قبل از اجرای صیغه عقد آنها را برای زوجین قرائت و مفهوم آنها را به زوجین برساند تا هر شرطی که مورد قبول آنهاست، امضا کنند. باید افزود که زوجین می‌توانند علاوه بر شروط چاپ‌شده در قباله نکاحیه هر شرطی را که مایل باشند و خلاف مقتضای عقد نباشد، به آن اضافه کنند.

جدول ۴۲۱۲ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مراسم دعای غروب در سربازخانه- نهادی اجتماعی با هدف کمک به آسیب‌دیدگان جنگ و زلزله ۲- بدون خطر- ساخت اشیای فلزی به روش سرد- جایی که همگان در آن حضور دارند ۳- شیره انگور- سوغات قمصر- درد صدادار۴- متولدشده- دارای جنبه غیر مادی ۵- ریه- پرداخت وجه به حساب بانکی- ... فوق ایدیهم ۶- اثر موسیقایی برای چهار نوازنده- اسمی دخترانه- درخت زبان‌گنجشک ۷- نوعی اثر موسیقایی شاد و سرگرم‌کننده- پیشرفته- اهل رشت ۸- قومی ایرانی- معادل فارسی مینیاتور- نماینده قانونی ۹- ورزشی رزمی- واگیر دار- ستاره‌شناس انگلیسی قرن هجدهم ۱۰- مذکر- استقراریافته- از طوایف ترکمن ۱۱- شعله‌ورشدن- تکیه روی یک حرف در زبان‌شناسی- یادداشت ۱۲- سوراخ کوچک- گردآمده در یک‌جا ۱۳- آلبومی با آواز سالار عقیلی- امید آن می‌رود- سواره نیست ۱۴- صدا- دریاچه نیلگون ارومیه- زبانه آتش ۱۵- نمایش‌نامه‌نویس سوئدی و خالق آندورا- شور و غوغا

عمودی:

۱- مسرور- شک‌کننده- کامل‌نشده ۲- وزارتخانه دانش‌آموزان و معلمان- بالای زمین ۳- محل پیدایش- سفر دسته‌جمعی- افیون ۴- بزرگ‌ترین سرخرگ بدن- از برادران یوسف نبی(ع) ۵- هنر پنجم- تازه ساخته شده- مفت نشده! ۶- ضمیری عربی- رمانی نوشته آندره ژید فرانسوی- توده انباشته‌شده از چیزی ۷- اعلان- یار عذرا- بیماری ویروسی جانوران گوشتخوار ۸- اقامتگاه مسافر- محل اقامت زائران- طلای تصفیه‌شده در اندازه‌های معین ۹- افسار- ترمز کشتی- ژانری سینمایی ۱۰- چهلمین روز شهادت امام حسین(ع)- سروری- مخفف شاه ۱۱- قدم یکپا- فقر و بی‌چیزی- توده‌ای از پارچه برای بندآوردن خونریزی ۱۲- لطف و مهربانی- نام چند تن از پادشاهان فرانسه بود ۱۳- بند شمشیر- نزدیک‌شدن- متاع ۱۴- ملت‌ها- آخرین پادشاه فرانسه که در انقلاب فرانسه اعدام شد ۱۵- جاده ریل‌گذاری‌شده- روزنامه چاپ ترکیه- بخشش

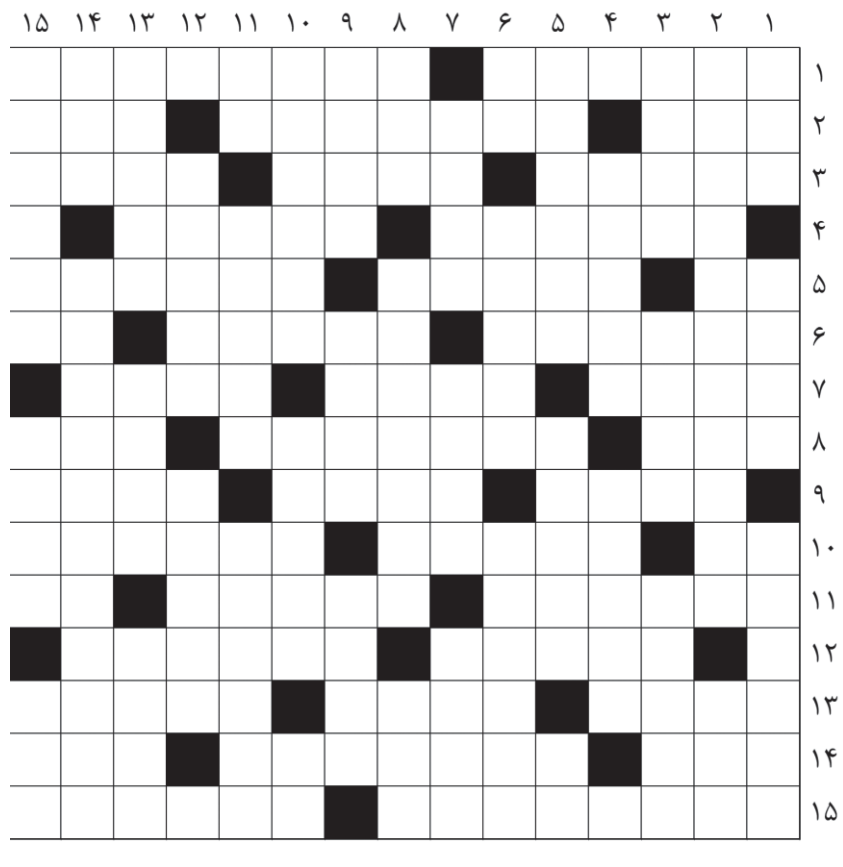

حل سودوکو سخت

۲	۳	۸	۹	۱	۴	۶	۷	۵
۱	۹	۴	۵	۶	۷	۸	۳	۲
۵	۶	۷	۳	۸	۲	۴	۱	۹
۸	۱	۳	۷	۵	۶	۲	۹	۴
۶	۴	۹	۸	۲	۳	۷	۵	۱
۷	۲	۵	۱	۴	۹	۳	۶	۸
۳	۵	۱	۲	۷	۸	۹	۴	۶
۴	۷	۲	۶	۹	۵	۱	۸	۳
۹	۸	۶	۴	۳	۱	۵	۲	۷

حل سودوکو ۳۲۰۷

۲	۱	۳	۴	۵	۹	۶	۸	۷
۸	۶	۴	۳	۷	۱	۲	۵	۹
۹	۵	۷	۶	۸	۲	۱	۴	۳
۱	۹	۸	۵	۳	۶	۴	۷	۲
۳	۷	۶	۲	۱	۴	۵	۹	۸
۴	۲	۵	۷	۹	۸	۳	۶	۱
۷	۴	۱	۸	۲	۵	۹	۳	۶
۶	۳	۹	۱	۴	۷	۸	۲	۵
۵	۸	۲	۹	۶	۳	۷	۱	۴

حل جدول ۴۲۱۱

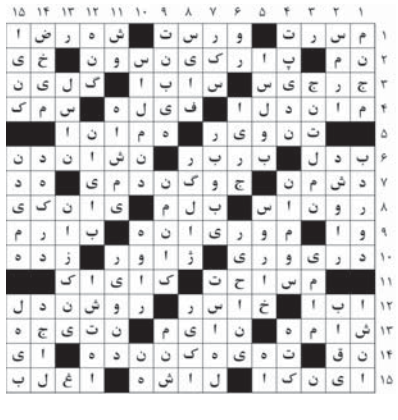

سودوکو سخت ۳۲۰۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

						۱		۵
	۱	۲	۴			۳		
	۶	۵			۸			
	۳				۷			
		۹		۱		۲		
			۶				۵	
			۸			۵	۴	
		۶			۹	۸	۱	
۹		۴						

سودوکو ساده ۳۲۰۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۷	۸				۴		
			۸	۹		۶		
	۳			۱			۸	۵
			۱		۸		۶	
	۸	۶		۷		۲	۳	
	۴		۹		۶			
۱	۵			۴			۷	
		۴		۵	۳			
		۳				۵	۴	